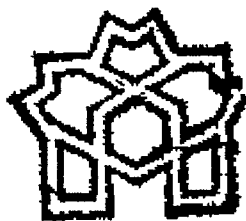


سورة الفاتحة

الفاتحة

٩٥٢٢٦



دانشگاه علامه طباطبائی تهران
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، در رشته برنامه‌ریزی درسی

موضوع

بررسی آراء و اندیشه‌های تعلیمی و تربیتی
ملاصدرای شیرازی و استنتاج اصول برنامه‌ریزی درسی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر حسن ملکی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر محمدحسن آموزگار

استاد داور

جناب آقای دکتر سعید بهشتی

پژوهشگر

رضا مسروری

سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵

ب

۵۵۳۶

اطلاعات آزمون علمی
شماره ثبت: ۱۳۸۷/۲/۵

۱۳۸۷ / ۲ / ۵

تشکر و قدردانی

با سلام به روان پاک انبیاء و اولیاء و اساتید و همه آزاد مردانی که در مسیر تکامل بشریت عمر شریف خویش را سپری نمودند، به مصداق حدیث شریف

« من لم یشکر المفلوق، لم یشکر الفالق »

بدینوسیله از راهنمایی‌های ارزشمند اساتید ارجمند جناب آقای دکتر حسن ملکی استاد راهنما و جناب آقای دکتر محمد حسن آموزگار استاد مشاور و جناب آقای دکتر سیدعلی موسوی، مدرس و مفسر اسفار اربعه ملاصدرا، که ما را در این تحقیق مورد عنایت خویش قرار داده‌اند صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنم.

و من الله التوفیق

مسروری

«ان اول العلم معرفه الله

و آخر العلم تفويض الامور به»

جراستی اول علم . معرفت و شناخت خداوند است

و آخر علم واگذاری امور به اوست.

«نسخ البلاغه»

تقدیم به :

همه اساتید ارجمند که بشریت را با نور علم خویش به سوی

معنویت و عرفان به حق رهنمون می‌شوند.»

چکیده

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به بررسی دیدگاه‌های دانشمندی می‌پردازد که به عنوان یک فیلسوف مسلمان مطرح است و فلسفه با بود و نبود و در علوم مختلف با ریشه‌ها سروکار دارد و مبنای مهم تمام رشته‌های علمی می‌باشد و برنامه‌ریزی درسی هم به عنوان یک رشته علمی نیازمند به فلسفه و یافته‌های فلسفی است. این تحقیق به بررسی دیدگاه‌های ملاصدرا شیرازی در ۴ حوزه زیربنای تربیتی از جمله مبنای هستی‌شناختی، مبنای معرفت‌شناختی و بررسی تمام نظام‌های فکری و فلسفی زمان خود یک فلسفه جامع و کامل با برخوردار از عقل و وحی و دین و عرفان است که می‌تواند پرتوهای امید بخشی برای نظام‌های آموزشی داشته و آنها را در راه شناخت غرض نهایی از زندگی، تشخیص هدف و انتخاب روش و وسایل انجام فعالیتها و طراحی و اجرای برنامه‌های درسی یاری دهد.

در این تحقیق به هفت سؤال با توجه به دیدگاه‌های ملاصدرا شیرازی پاسخ داده شده. سؤال اول در مبنای هستی‌شناختی دیدگاه ملاصدرا است که بر توحید مدارای استوار است. سؤال دوم در مبنای انسان‌شناختی است که صدرا انسان را عصاره خلقت و جهان صغیر داند. سؤال سوم در مبنای معرفت‌شناختی است که ملاصدرا معرفت و علم را وجه امتیاز انسان و ملاک ارزشمندی او می‌داند و شرط کسب آن را تجرد از ماده می‌داند در مبنای ارزش‌شناختی خداوند را منشاء تمام ارزش‌ها و وجود را عالی‌ترین جلوه خداوند می‌داند و در امور بر مطلوبیت و مقبولیت و در اعمال بر حسن فعلی و فاعلی در ملاک ارزشمندی تاکید دارد.

سؤال پنجم تحقیق در مفهوم تربیت از دیدگاه ملاصدرا است که ملاصدرا تربیت‌ها را از گذر تهذیب قبول دارند. در پاسخ سؤال ششم تحقیق که اصول و روشهای تربیت می‌باشد ۱۲ اصل تربیتی ارائه شده که می‌تواند راهنمای مربیان در نظام آموزشی قرار گیرد و نیز روشهای تربیت و روش‌های آموزش و یادگیری از دیدگاه ملاصدرا بیان شد. در آخرین سؤال تحقیق، اصول برنامه‌ریزی درسی تحت عنوان مقولات هدف، محتوا، تجارب و فعالیتهای یادگیری، و نظام ارزشیابی به تفصیل بیان شده است که می‌تواند به عنوان یک الگوی برنامه درسی در نظام‌های آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه‌ها در این تحقیق عبارتند از: « اصالت وجود » که اساس هستی‌شناختی ملاصدرا است. که منظور منشأی اثر وجود است. « وحدت تشکیکی وجود » که حقیقت وجود دارای مراتب متعدد و درجات مختلف است. « وحدت شخصیه وجود » به این معنی که آنچه در خارج واقعیت دارد یک واحد شخصی است که دارای تجلیات و اوصاف کثیر می‌باشد. « حرکت جوهری » به معنی حرکت در ذات و حرکت از نفس به کمال است. « مساوقت علم با وجود » به معنی اختلاف مفهومی و اتحاد مصداقی علم و وجود است. « علم حصولی » که علم کسب کردنی در سه حیظه حس و خیال و عقل و « علم حضوری » به معنی دریافت واقعیت با دل که با تجرد از ماده امکان پذیر است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات تحقیق

۲	مقدمه
۳	بیان مسأله تحقیق
۴	اهمیت و ضرورت تحقیق
۵	اهداف تحقیق
۵	سؤالات تحقیق
۶	تعاریف واژه‌ها و اصطلاحات

فصل دوم: بررسی ادبیات تحقیق

۸	مروری بر تاریخچه فلسفه اسلامی
۱۱	نظام فکری ملاصدرا
۱۵	مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی
۱۸	مبانی نظری تحقیق
۱۸	مبانی معرفت‌شناختی در اسلام
۲۶	مبانی هستی‌شناختی در اسلام
۳۲	مبانی انسان‌شناختی در اسلام
۳۸	مبانی ارزش‌شناختی در اسلام
۴۳	مبانی نظری اصول برنامه‌ریزی درسی
۵۱	پیشینه تحقیق

فصل سوم: روش پژوهش

۵۶	روش پژوهش
۵۶	روش گردآوری اطلاعات
۵۷	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

فصل چهارم : تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق

- ۱- مبانی معرفت شناختی ملاصدرا ----- ۵۹
- ۱-۱- مساوقت علم با وجود ----- ۵۹
- ۱-۲- ماهیت علم ----- ۶۰
- ۱-۳- ملاک علم ----- ۶۱
- ۱-۴- رابطه علم و عالم و معلوم ----- ۶۴
- ۱-۵- تفاوت علم حضوری با علم حصولی ----- ۶۷
- راههای کسب معرفت از نظر ملاصدرا ----- ۷۰
- ۱- روش خلسه ----- ۷۰
- ۲- روش توسل یا توجه جبلی ----- ۷۲
- ۳- روش بحث و ذوق ----- ۷۳
- چکیده معرفت شناختی ملاصدرا ----- ۷۴
- ویژگیهای مدرس مکتب ملاصدرا ----- ۷۶
- ۲- مبانی هستی شناختی از دیدگاه ملاصدرا ----- ۷۹
- ۲-۱- اصالت وجود ----- ۷۹
- ۲-۲- وحدت تشکیکیه وجود ----- ۸۱
- ۲-۳- نظریه امکان فقری ----- ۸۲
- ۲-۴- وحدت شخصیه وجود ----- ۸۳
- چکیده مبانی هستی شناختی ملاصدرا ----- ۸۴
- ۳- مبانی انسان شناختی از دیدگاه ملاصدرا ----- ۸۵
- ۳-۱- وحدت ذاتی انسان ----- ۸۶
- ۳-۲- حرکت جوهری انسان ----- ۹۰
- ۳-۳- پیامدهای حرکت جوهری ----- ۹۱
- چکیده انسان شناختی ملاصدرا ----- ۹۵
- ۴- مبانی ارزش شناختی ملاصدرا ----- ۹۷
- ۴-۱- ماهیت ارزش ها ----- ۹۷
- ۴-۲- ارزش های اخلاقی و زیبایی شناسی ----- ۹۸
- ۱- اصالت زیبایی ----- ۹۹

- ۹۹ ----- ۲- وحدت و تشکیک زیبایی
- ۱۰۰ ----- ۳- حرکت اشتدادی زیبایی
- ۱۰۳ ----- چکیده ارزش شناسی
- ۱۰۳ ----- دلالت‌های تربیتی حاصل از اندیشه ملاصدرا
- ۱۱۱ ----- مفهوم تربیت از نظر ملاصدرا
- ۱۱۶ ----- اصول و روش‌های تربیت اسلامی از دیدگاه ملاصدرا
- ۱۱۸ ----- ۱- اصول اولیه تعلیم و تربیت اسلامی
- ۱۱۸ ----- ۱-۱- اصل فطری بودن انسان در تربیت اسلامی
- ۱۱۹ ----- ۱-۲- اصل چندبعدی بودن انسان در تربیت اسلامی
- ۱۲۱ ----- ۱-۳- اصل پاکی سرشت انسان و مستعد بودن او در تربیت اسلامی
- ۱۲۲ ----- ۱-۴- اصل برگزیدگی انسان در تربیت اسلامی
- ۱۲۳ ----- ۱-۵- اصل مختار بودن انسان در تربیت اسلامی
- ۱۲۳ ----- ۱-۶- اصل برابری و وحدت انسانها در تربیت اسلامی
- ۱۲۵ ----- ۱-۷- اصل فضیلت هدایت انسان در تربیت اسلامی
- ۱۲۵ ----- ۱-۸- اصل فضیلت علم در تربیت اسلامی
- ۱۲۷ ----- ۱-۹- اصل ارتباط و هماهنگی علم و عمل در تربیت اسلامی
- ۱۲۸ ----- ۱-۱۰- اصل تقدم تزکیه در تربیت اسلامی
- ۱۲۸ ----- ۱-۱۱- اصل محبت و امید در تربیت اسلامی
- ۱۲۹ ----- ۱-۱۲- اصل ارزشیابی انسان در تربیت اسلامی
- ۱۳۰ ----- روش‌های تربیت اسلامی از دیدگاه ملاصدرا
- ۱۳۱ ----- ۱- روش آموزش و آموختن
- ۱۳۲ ----- ۲- روش‌های یادگیری
- ۱۳۵ ----- ۳- روش‌های پرورش و تهذیب
- ۱۳۷ ----- الف- روش ریاضت
- ۱۳۸ ----- ب- روش درون‌نگری (سیر در نفس)
- ۱۴۰ ----- ج- روش‌های تذکر
- ۱۴۱ ----- ۱- روش یاد خداوند و نعمت‌های او
- ۱۴۲ ----- ۲- روش یاد مرگ و قیامت

۱۴۳	-----	۳- روش عبرت آموزی
۱۴۴	-----	د - روش محاسبه نفس و مداومت و محافظت بر عمل
۱۴۵	-----	اصول برنامه ریزی درسی با تأکید بر دیدگاه ملاصدرا
۱۴۵	-----	۱- هدف
۱۴۶	-----	۲- محتوا
۱۵۰	-----	۳- تجارب و فعالیت های یادگیری
۱۵۲	-----	۴- ارزشیابی

فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

۱۵۵	-----	بحث و نتیجه گیری
۱۶۲	-----	محدودیت های تحقیق
۱۶۲	-----	پیشنهادها
۱۶۴	-----	منابع و مأخذ

فصل اول

گلیاتِ عشق



مقدمه

تحقیق حاضر با عنوان بررسی آراء و اندیشه‌های تعلیمی تربیتی ملاصدراى شیرازی و استنتاج اصول

برنامه‌ریزی درسی می‌باشد

با توجه به اینکه ملاصدرا، مسلمان شیعه مذهب می‌باشد. در مبانی نظری تحقیق ابتدا مروری بر دیدگاه‌های تربیتی اسلام در چهارحوزه هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی شده و بعد به دیدگاه‌های ملاصدرا در چهار حوزه فوق می‌پردازد و مفهوم تربیت و دلالت‌های تربیتی را از دیدگاه ملاصدرا بیان می‌کند و به ارائه اصول و روشهای تربیت اسلامی با تاکید بر دیدگاه ملاصدرا می‌پردازد و در نهایت اصول برنامه‌ریزی درسی را با توجه به دیدگاه‌های تربیتی ملاصدرا بیان می‌دارد این تحقیق یک رویکرد معنوی به برنامه‌ریزی درسی دارد. و در پنج فصل ارائه می‌گردد. فصل اول کلیات تحقیق، فصل دوم ادبیات تحقیق، در فصل سوم روش تحقیق، و در فصل چهارم تجزیه تحلیل یافته‌های تحقیق، و در فصل پنجم بحث و نتیجه‌گیری، محدودیت‌ها و پیشنهادها ارائه می‌گردد.



بیان مسأله

اصولاً تحقیق میل به کنجکاوی انسان را اقتناع و مایه‌رهایی انسان از تعصبات بی‌جا و جلوگیری از اتخاذ خط و مشی‌های نامناسب است. و راه چگونگی بودن و چگونگی زیستن و مایه بسط فعالیت‌های فکری و عملی انسان است.

شناخت و شناساندن یک حقیقت در واقع نوعی حق‌شناسی نسبت به پدیدآورنده آن است.

از آنجا که محمد بن ابراهیم قوام شیرازی، ملقب به ملاصدرا به عنوان یک شخصیت بی‌نظیر در دنیای اسلام و جهان علم مطرح بوده و هست و تا کنون پنچ کنگره بزرگداشت ملاصدرا در ایران، با حضور شخصیت‌های علمی کشورهای مختلف برگزار شده و صدها مقاله و کتاب در حوزه اندیشه‌های او ارائه شده و هنوز بعد از ۴۰۰ چهارصد سال که از تولد آن انسان بزرگ می‌گذرد، تمامی ابعاد وجودی ایشان، بدلیل عظمت علمی و پیچیدگی‌های شخصیتی، آشکار نشده است.

با توجه به اینکه آنچه در حوزه تعلیم و تربیت، برای ما مهم است، این است که یک شخصیت شایسته است از نظر الگوی تربیتی در جنبه‌های مختلف علمی، اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی، نمونه کاملی باشد و خود به آنچه گفته و معتقد بوده، عمل نماید و مراتب کمال انسانی را در نوردیده و یک نمونه کامل و عملی از انسان رشد یافته باشد. و ملاصدرا در زمره چنین شخصیت‌هایی است و مطالعه افکار و سیر زندگی ملاصدرا این حقیقت را آشکار ساخت و مرا بر آن داشت تا در حوزه تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی درسی، ضمن بررسی آراء و اندیشه‌های تربیتی این فیلسوف الهی، به استخراج و استنتاج اصول برنامه‌ریزی درسی بپردازیم.

هر چند که ملاصدرای شیرازی، چون «بیکن و دکارت» از جمله فیلسوفانی است که آراء و اندیشه‌های تربیتی خود را آشکارا بیان نکرده است ما به استنتاج مدلول‌های تربیتی از اندیشه‌های فلسفی او می‌پردازیم. گر چه حوزه تخصصی ملاصدرا فلسفه و حکمت و عرفان می‌باشد ولی شخصیت متعادل ایشان و فرزندان و شاگردان عالی که به بار آورده که هر کدام غنیمتی ارزشمند در حوزه تعلیم و تربیت می‌باشند، و آثاری ارزشمند که به یادگار گذاشته، مرا برانگیخت تا ظرافتهای گفتاری و رفتاری و علمی، آموزشی و تربیتی این دانشمند بزرگ را از میان آثار ایشان و دیگر محققانی که درباره ایشان و نظرات او، اظهار نظر نموده‌اند. بیایم و به حوزه تعلیم و تربیت تقدیم‌کنم. این تحقیق ضمن بررسی مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی، به بررسی اندیشه‌های تربیتی ملاصدرا در چهار حوزه هستی‌شناختی،



انسان شناختی، معرفت شناختی و ارزش شناختی، و در نهایت به استنتاج اصول و روشهای تربیت و اصول برنامه‌ریزی درسی با توجه به اندیشه‌های ملاصدرا می‌پردازد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این تحقیق بیشتر از آن جهت است که عمده‌تأ تعلیم و تربیت در ایران متأثر از اندیشه‌های فلاسفه و مریبان تربیتی غربی مانند جان دیویی، روسو، راجرز، پیازه و مانند آن است. منابع و متون درسی دانشگاهها نیز به طور عمده ترجمه منابع غربی‌اند و کتب تألیفی نیز، به همین سرنوشت گرفتارند طبیعی است که استادان و مدرسان هم اکثراً بدلیل پیمودن این مسیر در تحصیلات دانشگاهی خود و عدم آشنایی عمیق و تخصصی با فلسفه اسلامی، همان‌روند را بپیمایند، و فضای حاکم بر دانشگاهها در حوزه فلسفه و تعلیم و تربیت، آموزه‌های فلسفی غرب است. تو گویی که فارابی‌ها - بوعلی‌ها - سهروردی‌ها - خواجه نصیرها، صدراها و طباطبایی‌ها با آن همه اندیشه‌های فلسفی بکر و بدیع به این سرزمین تعلق نداشته و هیچ سخن تازه‌ای عرضه نکرده‌اند.

به عقیده ما راه برون رفت از این وضعیت، انجام تحقیقات منظم و دامنه‌دار و تخصصی به منظور استفاده از اندیشه‌ها و نظریه‌های خاص فیلسوفان اسلامی بویژه ملاصدرای شیرازی در قلمرو جدیدی از فلسفه و تعلیم و تربیت اسلامی است. گرچه که برخی مقالات پراکنده در خصوص دیدگاههای مریبان و فلاسفه مسلمان چون خواجه نصیر، ابن‌سینا، سعدی - مولوی - ناصر خسرو - پرداخته شده است ولی کافی به نظر نمی‌رسد.

لذا مطالعه و ارائه نظام فکری فلاسفه مسلمانان، بویژه ملاصدرای شیرازی این فیلسوف الهی در حوزه تعلیم و تربیت و استخراج اصول برنامه‌ریزی درسی و استنتاج مدلول‌های تربیتی از بین دیدگاههای فلسفی او، یکی از ضرورت‌های شرایط فعلی نظام تعلیم و تربیت کشور است.



اهداف تحقیق

هدف کلی تمقیق عبارتست از:

بررسی و شناخت اندیشه‌های تعلیمی و تربیتی ملاصدراى شیرازی و استنباط اصول برنامه‌ریزی درسی از اندیشه‌های او.

اهداف جزئی

- ۱- بررسی و شناخت مبانی معرفت‌شناختی از دیدگاه ملاصدرا
- ۲- بررسی و شناخت مبانی هستی‌شناختی از دیدگاه ملاصدرا
- ۳- بررسی و شناخت مبانی انسان‌شناختی از دیدگاه ملاصدرا
- ۴- بررسی و شناخت مبانی ارزش‌شناختی از دیدگاه ملاصدرا
- ۵- بررسی و شناخت مفهوم تربیت از دیدگاه ملاصدرا
- ۶- بررسی و شناخت اصول و روشهای تربیت از دیدگاه ملاصدرا
- ۷- مطالعه و استنباط اصول برنامه‌ریزی درسی بر مبنای اندیشه‌های تربیتی ملاصدرا

سؤالات تحقیق

- ۱- مبانی معرفت‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی در اندیشه تربیتی ملاصدرا چگونه است؟
- ۲- مبانی هستی‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی در اندیشه تربیتی ملاصدرا چگونه است؟
- ۳- مبانی انسان‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی در اندیشه تربیتی ملاصدرا چگونه است؟
- ۴- مبانی ارزش‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی در اندیشه تربیتی ملاصدرا چگونه است؟
- ۵- مفهوم تربیت در تعلیم و تربیت اسلامی در اندیشه تربیتی ملاصدرا چیست؟
- ۶- اصول و روشهای تربیت از دیدگاه ملاصدرا چیست؟
- ۷- با توجه به مبانی فکری ملاصدرا، کدام اصول برنامه‌ریزی درسی را می‌توان ارائه نمود؟



تعاریف واژه‌ها و اصطلاحات

برنامه درسی Curriculum

برنامه درسی: عبارت است از محتوی رسمی و غیر رسمی، فرآیند محتوا، آموزشهای آشکار و پنهان که بوسیله آنها فراگیر تحت هدایت مدرسه، دانش لازم را بدست می‌آورد و مهارتها را کسب می‌کند و گرایش‌ها و قدرشناسی و ارزش‌ها را در خود تغییر می‌دهد (ملکی، ۱۳۷۶، ص ۷).

- برنامه ریزی درسی: Curriculum planning

عبارتست از تهیه و تنظیم و تدوین مجموعه‌ای از محتواها، روش‌ها، تجارب و فعالیتهای یادگیری پیش‌بینی شده برای هدایت یادگیرنده، به منظور تأمین اهداف نظام آموزشی (ملکی، ۱۳۷۶، ص ۸).

- تربیت: Education

تربیت در لغت به معنی نشو و نما دادن، مرغوب ساختن، اعتدال و در اصطلاح عبارتست از فراهم ساختن شرایطی که با اعمال و اصول شناخته شده‌ای به منظور شکوفایی قابلیت و استعدادهای انسانی، تحت نظر مربی در یک محیط خاص انجام می‌گیرد. (شکوهی، ۱۳۷۴، ص ۲).

- تعلیم: instruction

عبارتست از فعالیت یاد دهنده به منظور ایجاد یادگیری در فراگیر، هدف آن فقط یادگیری یک موضوع یا یک عمل می‌باشد. (حسینی نسبت، ۱۳۷۵).

اصول: (Prineiples) اصول آنگونه مبانی عقلانی و مقیاس‌ها است که به وسیله آن می‌توان هر وضع خاص تربیتی، هر طفل را از موقف به خصوص خود به هدف. مطلوب رساند (هوشیار، ۱۳۳۰). وبه عبارتی اصول به معنای ملاک و مبنای کار و عمل شاگرد و معلم است و تکیه‌گاههای نظری و قواعد عامی است که براساس آنها ساختار تربیت انسان نهاده می‌شود.

روش‌ها: (Metodes) عبارتست از مجموعه تلاش‌ها، فنون و وسایل و ابزاری که وصول انسان به هدف را ممکن و تسریع می‌نماید و به عبارتی دستورالعمل‌های جزئی و راهکارهای عملی است که موجب ایجاد تغییرات مطلوب در مربی می‌گردد.

استنتاج: (dedaction) استنتاج در لغت عبارت از طلب نتیجه و استخراج نتیجه از مقدمات (فرهنگ دهخدا) استنتاج وقتی است که ذهن از یک حکم کلی یک حکم جزئی را نتیجه می‌گیرد و گاهی استنتاج به معنای اعم هر گونه سیر عقلانی و انتقال از معلوم به مجهول را شامل می‌شود. در این تحقیق با توجه به دیدگاه ملاصدرا در چهار حوزه هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی و نیز دیدگاه اسلام در این چهار حوزه، اصول تربیت اسلامی استخراج و براساس این اطلاعات روش‌های تربیت و اصول برنامه‌ریزی درسی استنتاج می‌گردد.

فصل دوم

بررسی ادبیات تحقیق



مروری بر تاریخچه فلسفه اسلامی

قلمرو اصلی فلسفه^۱ پهنه بی‌پایان هستی است، و فلسفه علم هستی‌شناختی است و به این اعتبار به آن ما بعدالطبیعه گویند. علوم مختلف جنبه خاصی از موجودات عالم را مورد بررسی قرار می‌دهند اما فلسفه با بود و نبود اشیاء سروکار دارد و در صدد است احکام و قواعد اشیاء را از آن جهت که هستند، کشف کند، بدین ترتیب «وجود» اساسی‌ترین مفهوم و مدار همه بحث‌های مابعدالطبیعه است که محور اصلی تفکرات فلسفی ملاصدرا است. (طالب‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۰).

افلاطون معتقد است که فلسفه منحصرأ با حیرت در برابر هستی آغاز می‌شود و ملاصدرا در کتاب «مبدأ و معاد» از قول ارسطو نقل می‌کند که: «طلب فلسفه در گرو عبور از فطرت اول، به فطرت ثانی است و بدون آن فلسفه بی‌معنا و بی‌فایده است. و لازمه عبور از فطرت اول این است که آدمی بتواند از مبالات عقل معاش فارغ شود و با پرسش‌هایی روبرو شود که ارزش آن به اندازه ارزش وجود آدمی است که این حال همان فطرت ثانی است که در آن آدمی به حیرت و شگفتی دچار می‌شود، که حقیقت من چیست؟ معنای زندگی چیست؟ جایگاه من در جهان کجاست.»؟

طبق شواهد تاریخی مسلم، پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌و آله فلسفه و براهین فلسفی را شخصاً با کفار و مشرکین و منکرین وجود خداوند بکار می‌بردند و از طریق منطق و برهان فلسفی آنان را با دلیل و برهان عقلی به سوی حق و حقیقت دعوت می‌نمودند و بعد از ایشان ائمه و اوصیاء عظام مردم را با دلیل و سخنان فلسفی به خدا پرستی و درک حقایق سوق می‌دادند. حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه، از جمله در خطبه توحید و دیگر خطبه‌ها که در معرفت‌خداوند و صفات او در مورد خلقت عالم و کیفیت ایجاد آن حقایقی ایراد کرده‌اند، بزرگترین شاهد ماست و می‌توان گفت حضرت علی (علیه السلام) اولین کسی است که در اسلام، طریق تفکر و اندیشه‌های فلسفی و سخن‌سرایی با دلیل و برهان را، پیرامون اسلام آموخت. «ابن ابی‌الحدید»، شارح نهج البلاغه می‌گوید: حضرت علی علیه السلام در فلسفه و فنون چون دریای خروشان و اقیانوس بیکران بود که از هر قطره‌ای از قطرات آن دریا هزاران جوی علم و دانش جاری گردید و معلم کلیه علوم در اسلام بود. (ملاصدرا، شواهد الربوبیه ص ۱۵). حاصل تعلیم پیامبر اسلام و ائمه شاگردانی چون، ابن عباس، محمد حنفیه، هشام بن حکم جابر حنفی و غیره بودند که از محضر آنها مستقیماً کسب علوم و معارف عقلیه نمودند.

۱ - حکما در تعریف فلسفه گویند: «فلسفه هی العلم با حوال اعیان الموجودات علی ماهی علیها»



بعد متکلمین بوجود آمدند که عامه مسلمانان را در حوزه فلسفه به دو گروه «اشاعره و معتزله» تقسیم کردند که اشاعره بنام اهل حدیث معروف بودند به رهبری «ابوموسی اشعری» که معلومات آنها در حدود نقل روایت و احادیث بود. تجزیه و تحلیل مسائل را ناروا می‌دانستند.

و گروه دیگر معتزله^۱ بودند که بحث عقلی در مابعدالطبیعه را جایز می‌دانستند. و کم و بیش از عقل فلسفی و استدلال بهره‌مند بودند. کم کم منقرض شدند (آیتی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۴).

اما شیعیان با تاسی از قرآن و سیره رسول اکرم و اهل بیت علیه السلام به تدبیر و تفکر و استدلال در معرفت خداوند و آیات الهی به عنوان یک واجب شرعی پرداختند و بعد از شهادت امام علی علیه السلام در سال ۴۰ هجری قمری، حکومت امویان تشکیل شد که فرهنگ اسلامی دچار فترت و رکود شد. و بعد عباسیون روی کار آمدند و چون وزیران آنها از ایرانیان فرهنگ دوست بودند، بغداد مرکز خلافت اسلامی قرار گرفت و نهضت ترجمه بوجود آمد و با بهره‌گیری از منابع علمی «جندی شاپور» که انوشیروان ساسانی آن را در خوزستان تأسیس و بسیاری از کتب، سریانی، هندی - یونانی را آنجا گردآورده بود، که هفت تن از فلاسفه نوافلاطونی، پیروان افلاطون فیلسوف یونانی، در آن مشغول به کار بودند، زمینه را برای گسترش علم و دانش فراهم کرد که هارون الرشید مجبور شد در بغداد به پیشنهاد وزیر خود، «یحیی برمکی» بیت الحکمه را تأسیس کند در زمان خلافت مأمون که مادرش ایرانی بود علم و فلسفه در آن رونق گرفت. بطوریکه هر کتابی که حنین بن اسحاق (۱۴۵هـ ق) مترجم معروف، از یونانی به عربی ترجمه می‌کرد، مأمون هم وزن آن را زرناپ به وی می‌بخشید. (طالب‌زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۹) اسحاق بن حنین (۱۴۵هـ ق) نیز به ترجمه کتب فلسفه بویژه آثار ارسطو پرداخت و «ابوبشر متی بن یونس» که استاد فارابی است، کتاب شعر ارسطو را ترجمه کرد.

«ابن ناعم» کتاب «اثولوجیا» اثر افلاطون را ترجمه کرد. الکندی (۱۸۵هـ ق) نخستین فیلسوف

مسلمان آن را اصلاح کرد، بدین ترتیب میراث فلاسفه یونان در دسترس مسلمانان قرار گرفت.

البته ناگفته نماند که برای فهم فلسفه اسلامی آشنایی با فلسفه یونان لازم است چون تردیدی نیست که

استفاده از بیان فلاسفه در تفسیر دیدگاه‌های اسلامی پس از ارتباط تاریخی و فرهنگی مسلمانان

۱- معتزله: در قرن دوم هجری در بصره ظهور کردند. با این اعتقاد که مسلمان فاسق، نه مومن است و نه کافر، و از سایر مسلمانان جدا شدند و اعتزال جستند موسس این فرقه «واصل بن عطا» بود.

۲- اثولوجیا: کتابی است از افلاطون فیلسوف یونانی در زمینه علم الهی به معنی اخص یا ربوبیت یا الهیات که «ابن ناعم» معاصر معتصم عباسی این کتاب را بنام «میامر» به عربی ترجمه کرده (لغت نامه دهخدا، جلد ۵).



با حکمای یونان میسرگردید و فلسفه در یونان حاصل اندیشه‌های سقراط، افلاطون، ارسطو بود که حوزه فلسفه بعد از ارسطو به اسکندریه^۱ آمد که در انتقال تفکر فلسفه، فلاسفه یونان به سرزمین اسلام سهمی بسزا داشت. که مسلمین اندیشه‌های آنان را با معارف بلند اسلامی و توحیدی تلفیق کردند و نوابغی چون یعقوب بن اسحاق الکندی (۱۸۵ هـ ق) سپس، ابونصر فارابی (۲۵۹ هـ ق) ملقب به معلم ثانی که در فلسفه و ریاضیات شهره آفاق بود و بعد از وی ابوعلی سینا رئیس حکما مشاء که آثار ارسطو را شرح می‌داد، نظام فلسفی نوینی را بر مبنای تفکر و استدلال پایه گذاری کردند که این فلسفه بدلیل گرایش ارسطویی به، فلسفه مشاء^۲ معروف شد.

بعد شیخ شهاب الدین سهروری (۵۴۹ هـ ق) معروف به شیخ اشراق و قطب الدین علامه شیرازی دورکن بزرگ فلسفه اشراق، نظامی فلسفی خویش را بر مبنای عقل و عشق و ذوق بنیان گذاشتند و بعد خواجه نصیرالدین طوسی و در قرن ۷ در حکمت و فلسفه و بعد میرداماد (قرن ۱۰) فیلسوف الهی ظهور کردند. (ملاصدرا، شواهد الربوبیه، ص ۱۶).

از دیرزمانی تا دوران میرداماد همواره بین حکما مشاء و حکمای اشراق و متکلمین و عرفا و صوفیه در بسیاری از مبانی فلسفی و اعتقادی اختلاف و درگیری بود و هر یک به ترویج و نشر مبانی فکری خود می‌پرداختند از طرفی دیگر دیرزمانی بود که پیروان مذهب مادی و ناشران افکار اشخاصی چون «طالس ملطی» اعتقاد به اصالت ماده و انکار وجود خدا را در میان مردم ترویج می‌کردند.

تا آنگاه که نوبت جلوگری و درخشش در آسمان حکمت به آفتابی عالم تاب و فیلسوفی محقق رسید، بنام صدرالدین، ملقب به صدرالمتألهین ملاصدرای شیرازی (۱۰۵۰ هـ ق)، ملاصدرا ابتدا به مطالعه و بررسی افکار و عقاید حکما و فلاسفه یونان پرداخت، سپس کتب مشهور زعمای فلسفه اسلام از مشاء تا اشراق و کتب متکلمین و آراء آنها و نیز کتب و رسائل صوفیه و اهل عرفان را با دقت مورد مطالعه و کاوش علمی قرار داد و با منطق و برهان به نقادی پرداخت و از آنجا که ملاصدرا متبحر در علوم عصر خویش از جمله فلسفه بود و به زعم خودش بدلیل اشتغال به ریاضات شاقه و تهذیب نفس، عقل او متصل به عقل فعال و قلب او مشتعل از نور کشف و شهود بود، لذا بر مسند قضاوت نشست و ما بین فرق مختلفه

۱- اسکندریه: شهری است که اسکندر مقدونی در سال ۳۳۱ ق م بنا کرد و پس از او سلسله بطاسیه که جانشینان او در مصر بودند، اسکندریه را پایتخت خویش قرار دادند و علم و فلسفه را ترویج کردند.

۲- فلسفه مشاء: چون ارسطو هنگام تدریس دریاغ آکادمی خویش قدم می زد و در حال قدم زدن فلسفه خود را بیان می کرد لذا پیروان او به مشاء معروف شدند.



حکما و متکلمین و ارباب کشف و شهود به قضاوت پرداخت و بر هر نظریه و عقیده‌ای از هر دسته و گروهی که به نظر خود، مخالف با منطق و دلیل و مخالف با حقایق و دقایق مستنبط از وحی الهی و کتاب آسمانی و مشکوه نبوت و ولایت می‌دید، خط بطلان کشید. و پرده‌های بسیاری از اوهام و خرافات وارد در دین و مذهب را درید و نظامی جدید و افکار و اصولی بسیار دقیق و عمیق بنیان نهاد و پایه‌های آراء و عقاید فلسفی خویش را بر آنها نهاده و به جنگ و نزاع ما بین سران حکمت و فلسفه خاتمه داد و مهر بطلان بر تقلید و تعصب از هر دسته و جمعیتی زد. (مصلح، ۱۳۷۷، ص ۱۷) و مکتبی جامع بنام «حکمت متعالیه» بنیاد نهاد، کتابی جامع و کامل مشتمل بر کلیه افکار و عقاید بشر در کلیه ابواب فلسفه بنام «اسفار اربعه» نگاشت که نسخه کاملی از نظام وجود و گنجینه‌ای است از اسرار آفرینش و دریایی است ژرف که در قعر آن گوهرهای بسیار ارزنده علم و دانش نهفته است که جز با عینک تحقیق و چشمی تیز بین نمی‌توان بر آنها نگریست (همان، ص ۱۷). لازم به ذکر است که بعد از ملاصدرا حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۹۷ هـ ق) و بعدها علامه حسین طباطبایی، (۱۳۶۰ هـ ش)، علامه صدرالدین محمد شیرازی (۱۴۱۹ هـ ق)، علامه محمد تقی جعفری (۱۳۷۷ هـ ش)، علامه سید جلال الدین آشتیانی (۱۳۸۴)، علامه حسن حسن‌زاده آملی (۱۳۸۵ هـ ش)، آیت ا... عبدا... جوادی آملی (۱۳۸۵) و علامه سید علی موسوی (۱۳۸۵ هـ ش) و دیگران از مروجین فلسفه صدرایی به حساب می‌آیند.^۱

نظام فکری ملاصدرا

ملاصدرا به دلیل چند بعدی بودن نظام اندیشه او که طبق تقسیم‌بندی رایجی که از مسیر زندگی علمی ملاصدرا صورت گرفته است، در دوره تحصیل خود با نخبگان و فرهیختگانی بزرگ روبروگشت که هر یک به سبب شخصیت فکری خاص خود در صورت بندی اندیشه متعالی و ذو وجوه صدرایی مؤثر واقع شدند، جاذبه شدید روحی و شخصیتی دو استاد معروف او شیخ بهایی^۲ و میرمحمد باقر میر داماد (۱۰۴۱ هـ ق) باعث گردید تا مبانی فکری و شخصیت اخلاقی و روحی ملاصدرا کامل‌تر گردد. ملاصدرا

۱- نقل از فصلنامه اندیشه، فلسفه منطق، شماره ۲۵۰- بهار ۸۵

۲- بهاء الدین محمد (۹۵۳ هـ ق) معروف به شیخ بهایی در لبنان از مادری عالمه و عقیف و پدری حکیم بنام عزیزالدین حسین عاملی دنیا آمد در ۱۳ سالگی به ایران هجرت کرد در زمان حکومت صفوی زمینه برای تحصیل علم او فراهم شد حدیث کرد در فراگیری همه علوم زمانه، و استاد علوم نقلی ملاصدرا بود و ۸۸ اثر نفیس از او به یادگار مانده است.